



MHJ

مجله تاریخ پزشکی

دوره سیزدهم، شماره چهل و ششم، سال ۱۴۰۰

<https://doi.org/10.22037/mhj.v13i46.34465>

Journal Homepage: <http://journals.sbmu.ac.ir/mh>



مقاله پژوهشی

عُریب بن سعد قُرطبی؛ حکیم مسلمان زنان و اطفال

محبوبه فرخنده زاده^{۱*}، سیده نرگس تنهایی^۲

۱. استادیار، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

۲. دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن اسلام، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: در تاریخ پزشکی ایران و اسلام پزشکان نام‌آوری برخاسته‌اند که برخی چندان شناخته شده نیستند. عریب بن سعد قرطبی یکی از بزرگان و متخصصان عرصه پزشکی است که در عصر طلایی تاریخ و فرهنگ تمدن اندلس (اسپانیا) در دوران حکمرانی خلفای اموی اندلس (عبدالرحمان الناصر و الحکم المستنصر) فعالیت علمی داشت. گرچه شهرت عریب به واسطه نگارش اثر تاریخی‌اش «صله تاریخ طبری» است، اما مطالعه و واکاوی متون و آثار علمی این دانشمند حکایت از مهارت و تخصص وی در ادبیات، تاریخ، ستاره‌شناسی، پزشکی و شاخه‌های مرتبط با آن مانند داروشناسی دارد. مسئله اصلی این نوشته بررسی و تبیین سهم و جایگاه عریب در دانش پزشکی با تکیه بر بازکاوی شاهکار پزشکی او رساله «خلق الجنین و تدبیر الحبالی و المولودین» است.

مواد و روش‌ها: این پژوهش با رویکرد توصیفی و تحلیلی و با تکیه به روش مطالعه کتابخانه‌ای نوشته شده است.

یافته‌ها: عریب بعد از فراگیری دانش پزشکی به دربار امویان راه یافت و این اثر را به خواهش الحکم دوم به رشته تحریر در آورد. در سده‌های نخست هجری، پزشکی زنان و زایمان و طب کودکان به دلیل پیوستگی مطالب یک حوزه به شمار می‌رفته است و عریب نیز در رساله خود این مباحث را از هم تفکیک نکرده است. رساله «خلق الجنین» مشتمل بر پانزده باب یا فصل است که محور و موضوع اصلی آن جنین‌شناسی (مامایی) و بیماری‌های زنان و زایمان است که نویسنده بخش‌هایی را هم به موضوعات پزشکی کودکان (انواع بیماری‌های کودک، شیوه ابتلا و روش درمان) اختصاص داده است.

ملاحظات اخلاقی: صداقت و امانت‌داری در ارائه گزارش و انتشار مطالب رعایت گردیده است.

نتیجه‌گیری: مطالعات حاکی از آن است که رساله «خلق الجنین» نخستین متن علمی است که به مراحل تدریجی تکامل جنین به شیوه علمی پرداخته است. موضوعاتی همچون روش‌های تسهیل زایمان، درمان نازایی و تأکید نویسنده بر تربیت کودک از جنبه پزشکی و روانشناسی از نکات شاخص و مهم دیگر این اثر به شمار می‌روند. در این پژوهش تلاش می‌شود نخست به حیات و زندگینامه علمی عریب و معرفی اجمالی آثار وی پرداخته شود؛ در ادامه با واکاوی رساله پزشکی او، جایگاه وی در دانش پزشکی تبیین و بازخوانی شود.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۷/۰۳

واژگان کلیدی:

اندلس (اسپانیا)

بیماری‌های زنان و زایمان

پزشکی کودکان

مامایی

خلق الجنین

* نویسنده مسئول: محبوبه

فرخنده زاده

آدرس پستی: ایران، مشهد، دانشگاه

فردوسی مشهد، دانشکده الهیات و

معارف اسلامی.

پست الکترونیک:

farkhondehzadeh@um.ac.ir

۱. مقدمه

دانش پزشکی حاصل تلاش و تجربیات پزشکانی است که هر یک با خلق آثاری در تکوین، تکامل و پیشرفت آن سهم بودند. از این رو بهره‌گیری از این آثار و دست‌نوشته‌ها گنجینه‌ای گرانقدر در حوزه علم و تمدن به شمار می‌رود. دانش پزشکی مسلمانان در ادوار حیات خود با تغییر و تحولات بسیار همراه بوده است. عریب بن سعد کاتب قرطبی از جمله پزشکانی است که با وجود آنکه اثر ارزنده‌ای در حوزه دانش پزشکی از خود به یادگار گذاشته، دانش و تخصص وی در این زمینه مغفول مانده است. عریب در عصر زرین فرهنگ و تمدن اسلامی در قرطبه فعالیت علمی خود را آغاز کرد و توانست با تألیف اثری متفاوت در پزشکی، نام خود را با عنوان پزشک زنان و زایمان و متخصص در حوزه مامایی و پزشکی کودکان ماندگار کند. قرطبه^۱ (شکل ۱) از آغاز فتح اندلس، مرکز خلافت اسلامی بود و در دوران خلافت امویان اندلس (حک: ۷۵۵-۱۰۳۰م) به ویژه عبدالرحمان الناصر (۹۱۲-۹۶۱م) و حکم المستنصر (۹۶۱-۹۷۶م) شاهد شکوفایی علمی، فکری و فرهنگی در این منطقه هستیم. از جمله علومی که در این دوره گسترش یافت دانش پزشکی و داروسازی بود. توجه به دانش پزشکی و رشد آن در اندلس از نیمه دوم قرن سوم، به روزگار امارت محمد بن عبدالرحمان دوم (۲۳۸-۲۷۳ ق) آغاز شده بود و تا سده‌های بعد به اوج خود رسید (۱). حمایت خلفای اموی از دانشمندان و پزشکان، تأسیس مراکز علمی و بیمارستان‌ها زمینه را برای شکوفایی و رونق علمی پزشکی فراهم کرده بود (۲) و پزشکان با خلق آثاری جامع و رسایل تخصصی پزشکی سهمی مهم در تکامل و گسترش این علم در این دوره و انتقال آن به آیندگان داشتند. حضور داروسازان و پزشکان برجسته مانند ابوالقاسم زهراوی (۱۰م)، ابن سمجون (۱۱م)، غافقی (قرن ۱۲م)، ابن بيطار (۱۲۴۸م) و نگارش آثار گرانشنگی که در این حوزه به دست رسیده است، نشانگر اعتلای دانش پزشکی در این خطه است. نوشتار پیش-رو جستاری در واکاوی زندگینامه و حیات علمی عریب بن

سعد پزشک مسلمان اسپانیا است تا سهم و جایگاه وی در تکامل علم پزشکی تبیین و مشخص گردد.

۲. ملاحظات اخلاقی

صداقت و امانت‌داری در ارائه گزارش و انتشار مطالب رعایت گردیده است.

۳. مواد و روش‌ها

این مطالعه با رویکردی توصیفی و تحلیلی مبتنی بر گردآوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای به رشته تحریر درآمده است. بدین جهت نخست منابع و آثاری که درباره زندگینامه وی اطلاعاتی داشته‌اند مورد بررسی قرار گرفته است. سپس تنها اثر پزشکی وی رساله «خلق الجنین» که از گزند روزگار محفوظ و به دست رسیده است، مطالعه و بازخوانی شده است. در پایان بر پایه داده‌های موجود به دستاوردهای وی در حوزه دانش پزشکی اشاره می‌شود.

۴. یافته‌ها

۴-۱. زندگینامه و حیات علمی عریب قرطبی

عریب بن سعد قرطبی از پزشکان سده چهارم هجری است که در شهر قرطبه متولد شد. ثعالبی و بروکلمان نام وی را عریب بن سعید (۳، ۴) و در چند اثر دیگر عریب بن سعید ضبط شده است (۵-۷). البته در مقدمه رساله «خلق الجنین» نام وی عریب بن سعید آمده است (شکل ۲). گزارش دقیقی از تاریخ تولد، وفات و حیات علمی وی در دست نیست. شگفت آنکه ابن جلیجل اندلسی معاصر عریب، در اثرش طبقات الاطباء از هموطن خود یادی نکرده است (۸). در سال‌های اخیر یکی از مستشرقین بر جزئی از کتاب؛ ذیل و تکمله ابوعبدالله محمد بن محمد الوسی مراکشی از پژوهندگان و اندیشمندان سده هفتم هجری (۱۳ میلادی) دست یافته که در آن شرح حال عریب بن سعد آمده است (۹).

² Carl Brockelmann¹ Córdoba

۴-۲. تألیفات عربی

عمده شهرت عربی در تاریخ و دانش پزشکی و شاخه‌های مرتبط با آن است و متونی که در حوزه‌های مختلف علمی از او بر جای مانده است، نشانگر احاطه و تخصص او است. عربی در حوزه تاریخ، کتاب «تاریخ الرسل و الملوك» طبری را خلاصه و آن را تکمیل کرد. این اثر با نام «صله التاريخ الطبری» شهرت دارد. وی اخبار خلافت عباسیان را ذیل حوادث سال‌های ۲۹۱ تا ۳۲۰ ق به شیوه سالشمار ادامه داد و علاوه بر آن، تاریخ مسلمانان در شمال آفریقا، مغرب و اندلس را در فاصله زمانی ۹۶۱-۹۷۶ م به کتابش افزود (۱۰، ۱۴). ابن عذاری مراکشی در تدوین دست‌نوشته‌اش «بیان المغرب» از این اثر بهره فراوان برده است (۱۵، ۱۶). از آثار دیگر عربی تقویم قرطبه با نام «الأنواء» است که با حروف عبری و به زبان عربی به سال ۳۴۹ ق/ ۹۶۱ م تألیف کرد. برخی معتقدند که تقویم عربی شبیه تقویمی است که ربیع بن زید^۴ تألیف کرده بود و برخی نیز این تقویم را به طور کلی به ربیع نسبت داده‌اند (۱۱)؛ اما نکته در خور توجه آنکه راینهارت دوزی^۵ دو نسخه عربی و لاتین این تقویم را مورد پژوهش قرار داده است و آن را تحت عنوان کلی تقویم سال ۹۶۱ م قرطبه در لیدن به سال ۱۸۵۳ م و به نقلی ۱۸۷۳ م چاپ کرد (۱۰، ۱۷). به نوشته دوزی باید بین این تقویم و تقویم اسقف ربیع بن زید تفاوت گذاشت. نسخه عربی عنوان نداشته و عنوان نسخه لاتین آن هم به نام ربیع بن زید اشاره نشده است. شارل پللا^۶ (متوفی: ۱۹۹۳) معتقد است که این تقویم شامل دو بخش بوده است؛ کتاب الأنواء^۷ و تقویم مورد استفاده در مراسم نیایش. بنابراین

عربی اسپانیایی‌الاصل و از خاندانی مسیحی بود که اجدادش به تدریج اسلام را پذیرفتند. خاندان وی از موالی بودند که با عنوان «بنی الترکی» شناخته می‌شدند (۶، ۱۰، ۱۱) او در عصر شکوفایی تمدن اسلامی در قرطبه ظهور کرد و فعالیت علمی خود را در حوزه‌های مختلف علمی مانند علوم طبیعی، تاریخی، ادبی، ستاره‌شناسی و پزشکی ادامه داد (۸، ۱۲). وی علاوه بر آنکه پزشکی متخصص به شمار می‌رفت، مورخی قابل اعتماد، کاتب، ادیب و شاعری صاحب قریحه بود که در علم لغت و نحو نیز دستی داشت؛ ثعلبی در اثرش «یتیمه الدهر» اشعاری به نقل از او آورده است (۳، ۹). قرطبه در سده‌های سوم و چهارم هجری (۱۰ و ۱۱ میلادی) مرکز فعالیت‌های پزشکی بود و عربی با پزشکانی چون عمران بن ابی‌عمر، یحیی بن اسحاق الوزیر، ابوبکر بن باج، اعراف بن ام‌البین، ابوحفص بن بریق، اصبع بن یحیی، ابن عبدون العددی و دیگران معاصر بوده است. دور از انتظار نیست که به سبب حرفه و یا رفاقت بین ایشان پیوند و ارتباط بوده است (۸، ۱۳). گزارشی از استادان وی در پزشکی در دست نیست، اما در این دانش به آرای متقدمان مانند بُقراط، دیسکوریدوس، جالینوس و پزشکان هند و هم‌عصران خود اسحاق بن سلیمان اسرائیلی^۳ (متوفی: ۹۵۳ م) تکیه داشت و نظرات آنها را در اثر پزشکی خود به کار برد. بعد از آنکه شهرتش در میان هم‌عصرانش فراگیر شد، در فاصله زمانی سال‌های ۳۳۰-۳۶۰ ق به دربار خلفای اموی راه یافت. عربی کاتب عبدالرحمان الناصر (۳۰۰-۳۵۰ ق)، و حکم المستنصر (۳۵۰-۳۶۶ ق) بود و نزد منصور بن ابی عامر مقام و منزلت علمی داشت. خلیفه الناصر به سال ۳۳۱ ق او را بر منطقه اشونه گماشت و منزلتش نزد عبدالحاجب منصور ابن عامر چنان بالا گرفت که او را «خازن السلاح» نامید (۴، ۱۱).

^۴ اسقف مسیحی و از مستعربان بود و از رجال علمی و سیاسی عهد خلیفه عبدالرحمان الناصر (۳۰۰-۳۵۰ ق) و الحكم المستنصر دوم (۳۵۰-۳۶۶ ق) به شمار می‌رفت. او در گسترش تقویم قرطبه که با عنوان "تقویم سنه ۹۶۱ م لقرطبه" یاد می‌شود، حضور داشت.

^۵ Reinhart Pieter Anne Dozy (1820-1882)

^۶ Charles Pellat

^۷ این تقویم در میان اعراب با عنوان «الأنواء» شناخته می‌شود؛ منظور اعراب از کلمه‌ی أنواء، ستارگانی هستند که طلوع و غروبشان شاخصه‌ی زمان است و به همین خاطر آنها سالنامه‌ی خود را «الکتاب الأنواء» می‌نامیدند (لک‌رک، ص ۴۳۴).

^۳ ابویعقوب سلیمان بن اسحاق اسرائیلی پزشک مصری و فیلسوف نوافلاطونی یهودی. او در دوران امارت امیران اغلبی (۱۸۴-۲۹۶ ق) به قیروان رفت. در پزشکی شاگرد و ملازم اسحاق بن عمران و استاد ابن‌جزار پزشک برجسته شمال آفریقا، به شمار می‌رود.

و پس از آن و دوران نفاس و شیردهی پرداخته، کتاب «علاج الاطفال» اثر احمد بن محمد طبری (م: ۳۱۰ق) است (۲۴). بعد از طبری، ابن جزار و بلدی از زمره پزشکانی بوده‌اند که در این حوزه از دانش پزشکی آثاری نوشته‌اند. ابن جزار پزشک شمال آفریقا (۲۵) که از معاصرین عریب بود در تألیفی با عنوان «سیاسة الصبيان و تدبيرهم» و یا «تدبير الأطفال» (۱۷، ۲۶) و سپس احمد بلدی (سده ۱۰م) در اثری با عنوان «تدبير الحبالی و الأطفال و الصبيان و حفظ صحتهم و مداواة الأمراض العارضة لهم» به این شاخه از دانش پزشکی پرداخته‌اند (۲۷). گرچه پزشکان برجسته و صاحب‌نامی چون ابن‌سینا بخش‌هایی از اثر ابن جزار را در متون طبی خود آورده‌اند (۲۶، ۲۸)، اما برخی از صاحب‌نظران اثر عریب را به سبب روش علمی بر کتاب ابن جزار و بلدی ارجح دانسته‌اند (۵). «خلق الجنین» رساله‌ای مشتمل بر پانزده بخش است که نویسنده آن را به روش علمی و آکادمیک باب‌بندی و تنظیم کرده است تا خوانندگان به سهولت بر مطالب کتاب دسترسی پیدا کنند (۲۱).

۵-۲. متن، محتوا و فصول

این رساله مهم‌ترین اثر پزشکی عریب و به گفته برخی محققان، نخستین کتابی است که به شیوه علمی هر آنچه را که مربوط به مباحث جنین‌شناسی، علم ولادت، ضروریات تدبیر زنان باردار، نوزادان و کودکان، تغذیه کودک، حفظ صحت و درمان بیماری‌های کودکان می‌باشد، در آن آمده است (۵، ۲۰).

بخش زیادی از مطالب این کتاب دیدگاه‌ها و نقل‌قول‌های پزشکان و اندیشمندان یونانی و مسلمان از جالینوس، ارسطاطالیس، یحیی بن ماسویه و دیوسقوریدوس است. عریب همچنین آرا و نظرات پزشکان معاصر خود مانند اسحاق اسرائیلی را که مطالبی درباره پزشکی کودکان داشته‌اند، جمع‌آوری و در کتابش آورده است (۸، ۹، ۱۳). عریب همچنین به اقوال پزشکان و صاحب‌نظرانی که نامی از آنها نبرده است، با عبارات «بعض الاطباء»، «بعض علماء العرب»،

بخش نخست، الأنواء از آن عریب بن سعد قرطبی و بخش دوم آن اثر ربیع بن زید است (۱۸). گرچه اعتقاد لکلرک آن است که این اثر از آن عریب کاتب بوده و بعدها اسقف ربیع، آن را اصلاح کرده است (۷). در فهرست آثار عریب در حوزه پزشکی دو اثر به نام‌های «خلق الجنین و تدبیر الحبالی و المولودین» و «فی عیون الادویه» یاد شده که تنها کتاب «خلق الجنین» وی از گزند روزگار حفظ و بر جای مانده است. اما به گزارشی عریب همچنین آثاری در حوزه رژیم غذایی و حیوانات نیز داشته است (۱۹).

۵. بحث

۵-۱. خلق الجنین

با درخشش ستاره عریب در دانش پزشکی در میان معاصرینش، خلیفه الحکم از او خواست که اثری درباره بهداشت، سلامت، تغذیه زنان باردار و نوزادان و همچنین پزشکی کودکان، پیشگیری از بیماری و درمان امراض عارض بر آنها به رشته تحریر درآورد. از این رو عریب رساله‌ای در حوزه مامایی، بیماری‌های زنان و زایمان و نیز پزشکی کودکان با عنوان «خلق الجنین و تدبیر الحبالی و المولودین» نوشت؛ چنانکه مولف خود در مقدمه اثرش به آن اشاره کرده است (۹) (شکل ۲). هر چند لکلرک (Leclerc) معتقد است که این اثر به خلیفه الحکم اهدا شده است (۷).

نام این رساله «خلق الجنین و تدبیر الحبالی و المولودین» است (۵، ۸، ۱۱، ۱۷، ۲۰، ۲۱)، گرچه برخی از منابع آن را «خلق الجنین و تدبیر الحبالی و المولود» نامیده‌اند (۴، ۶، ۱۰، ۲۲). همچنین این رساله با عنوان «خلق الجنین و تدبیر الحبالی» (۱۲) و در مواردی به اختصار «خلق الجنین» یاد شده است (۱۵، ۲۳). در مکتب پزشکی مسلمانان در سده‌های نخست، پزشکی زنان و زایمان و طب کودکان به دلیل پیوستگی مطالب یک حوزه به شمار می‌رفته است؛ عریب نیز در دست‌نوشته‌اش *خلق الجنین* بیماری‌های زنان، مامایی و کودکان را تفکیک نکرده است. از کهن‌ترین متونی که به نظر می‌رسد به پزشکی کودکان و مراقبت از مادر در دوران بارداری

موضوعاتی چون دوقلو و چند قلوزایی و بحث تولد جنین ناقص‌الخلقه که سبب آن را جنین، رحم مادر و یا در مواردی عوامل خارجی می‌داند، از مباحث جالب در این رساله است (۷، ۹).

نویسنده همچنین موضوع تربیت کودک از لحاظ پزشکی و تربیتی توجه داشته و گفتاری از رساله خود را به اهمیت آموزش و تربیت کودک اختصاص داده است. عریب در این موضوع نوشته است که نخست کودک را باید به معلمی برای تأدیب سپرد و امور دینی چون فریضه نمار و تشویق کودک به انجام کارهای خیر به او آموزش داده شود؛ «تا جسم و تن کودک تربیت شود». علاوه بر این وی در فرایند آموزش، اعتقاد عریب بر آن بوده که کودک در سن ۱۲ سالگی، باید علمی چون حساب، هندسه، فلسفه و پزشکی بیاموزد (۹). از قسمت‌های منحصر به فرد این رساله جداولی است که در قسمت پایانی کتاب رسم شده است و به نظر می‌رسد در تاریخ علم جنین‌شناسی در نوع خود اولین باشد. در این جداول حساب ایام بارداری آمده است تا با کمک آن تعیین زمان زایمان آسان گردد (۵، ۹) (شکل ۴). از دیگر نظرات عریب در این کتاب توجه و توضیح رشد و تشکیل جنین در ماه‌های مختلف و تأثیر کواکب در دوران بارداری، از نقطه‌نظر اخترشناسی است (۹). چنان که او سن آدمی را تقسیم‌بندی کرده و و برای هر دوره از سنین، ویژگی‌های اخلاقی و روحی در نظر گرفته است. از نکات جالب در دیدگاه وی تأثیر اجرام آسمانی در بروز سجایای اخلاقی است؛ چنان که نوشته است: «در ده سال دوم عمر آدمی زندگی انسانیت تحت تأثیر عطارد است و کودک علائم قوه تشخیص و توجه و تفکر از خود بروز می‌دهد» (۹، ۳۰). در لابلای این دست‌نوشته گاهی برخی از نظرات اعراب که پایه علمی ندارد، آورده شده که نویسنده بدون نقد و تحلیل به ذکر آن اکتفا کرده است. چنان که مطالبی درباره زمان بارداری در مدت بیشتر از نه ماه که در برخی از اقوال آن را تا ۳۰ ماه هم گفته‌اند، نقل می‌کند (۷، ۹) (شکل ۵ و ۶).

«الاول من الاطباء»، «من کلام العرب» و «قالت العرب» استناد جسته است (۹). علاوه بر نام پزشکان، عریب در یادکردش به متون پزشکی و دارویی و گاه غیرپزشکی نیز اشاره می‌کند که می‌توان از «الطبیعه‌الطفل»، «الجنین»، «حبل علی حبل» - این کتاب به اشتباه حمل علی حمل ذکر شده است، «الأجنه»، «الغذاء»، «اپیدیمیا»، «الأسابیح»، «المولودین»، «الفصول» از آثار بقراط؛ «الأدویه البسیطة» و «فی تدبیر صبی» نوشته جالینوس؛ «فی تدبیر أوجاع النساء»، «الخصال» اثر عیسی بن موسی و در نهایت کتاب «الفرق» نوشته ابوحاتم سجستانی نام برد (۹). علاوه بر این آموزه‌های درمانی پزشکی هندی از جمله دستورالعمل برای تشکیل جنین دوقلو نیز در این متن یافت می‌شود (۹). اولمان^۸ نیز معتقد است که قسمت‌هایی از بخش نخست کتاب که درباره جنین‌شناسی است با کتاب «فردوس‌الحکمه» ابن-ربن طبری (م: سده سوم) مطابقت دارد (۱۹).

البته این بدان معنی نیست که اثر وی مجموعه‌ای گردآوری شده از آرا و دیدگاه پیشینیان است و نکته جدیدی در آن یافت نمی‌شود، بلکه مطالعه اثر حکایت از آن دارد که عریب علاوه بر نقل تجارب پیشینیان، معلومات و آموزه‌های علمی خود را به آن افزوده است. اطلاعات اصیل و دانشی که بیانگر نبوغ و علم زیاد او در زمینه پزشکی اطفال و بیماری‌های زنان است (۶، ۲۰)، و از این رو مرجعی مهم در حوزه دانش مامایی و پزشکی کودکان به شمار می‌رود. از این دست‌نوشته باید به عنوان نخستین متن پزشکی یاد کرد که در آن درباره رشد تدریجی جنین به شیوه علمی سخن گفته شده است (۹) که پیشتر در میان پزشکان مسلمان سابقه نداشت (۲۹). از مهمترین بخش‌های این اثر باب سوم است که به علل نازایی زنان و درمان آن اشاره دارد. جلوگیری از سقط جنین و روش‌های آسان‌زایی، حفظ و مراقبت بهداشت و سلامت کودک در دوران شیردهی از دیگر مباحث مهم این رساله است (۹) (شکل ۳).

⁸ Ullmann

بر اساس مطالعه متن چاپ شده «خلق الجنین و تدبیر الحبالی و المولودین» شامل ۱۵ باب یا فصل است که برخی فصل‌ها به بخش کوچکتری تقسیم شده‌اند که موضوعات هر یکی از ابواب به اختصار در ادامه اشاره می‌شود.

باب نخست در منی و تلقیح و چگونگی خلق (به وجود آمدن) انسان؛ باب دوم در آلت تناسلی مرد و قوه باه؛ باب سوم در رحم و شکل‌های آن و مسائل مربوط به بارداری و نازایی؛ باب چهارم در دلایلی که موجب پسر یا دختر شدن فرزند است و در بیان تعداد فرزندان حاصل از جماع واحد؛ باب پنجم در شکل‌گیری جنین و زمانی که جنسیت (دختر یا پسر) جنین مشخص می‌شود و در سبب کم یا زیاد بودن اعضای او؛ باب ششم در مدت زمان بارداری؛ باب هفتم در مراقبت از زن باردار و معالجه بیماری‌هایی که از ابتدای حاملگی تا زمان زایمان بر او عارض می‌شود و بیان اقوال مختلف درباره سقط جنین و علل آن؛ باب هشتم در نشانه‌های زمان وضع حمل (زایمان) و اشکال مختلف تولد نوزاد و وظایف ماما (قابله) هنگام تولد نوزاد؛ باب نهم در تشکیل شیر مادر و شیر دادن به نوزاد و گرفتن دایه در میان عرب‌ها؛ باب دهم در بیان مراحل رشد نوزادان و سخنان پزشکان پیشین، اهل تنجیم و اعراب در این باره؛ باب یازدهم در نگهداری و مراقبت از کودکان از ابتدای ولادت و درمان بیماری‌های آنها در این سن؛ باب دوازدهم در مراقبت از اطفال در مرحله دوم از زندگی آنها که بعد از چهل روزگی تا زمان روئیدن دندان‌های آسیاب آنهاست و درمان بیماری‌هایی که در این سن به آن مبتلا می‌شوند؛ باب سیزدهم در تدبیر کودک بعد از روئیدن دندان‌های آسیاب او تا زمان افتادن آنها که مرحله سوم از زندگی او و ابتدای سخن گفتن و از شیر گرفتن اوست و بیان بیماری‌های مخصوص این سن و درمان آنها؛ باب چهاردهم در تدبیر کودکان بعد از افتادن دندان‌های آنها تا زمان بلوغشان و درمان بیماری‌هایی که در این سن به آن مبتلا می‌شوند؛ باب پانزدهم در بیان بالغ شدن پسران و دختران و زمان‌های بلوغ و تغییراتی که در این زمان در آنها به وجود می‌آید و نظرات پزشکان و منجمان درباره مدت عمر انسان.

آرا و دیدگاه عریب در «خلق الجنین» مورد استفاده پزشکان در سده‌های بعدی قرار گرفت، چنان که ابوالقاسم زهرای پزشک و جراح برجسته اندلس «التصريف لمن عجز عن التألیف»، به نظرات عریب تکیه کرده است (۳۱). همچنین محمود الحاج قاسم از نویسندگان معاصر مطالب این رساله را به طور خلاصه در کتاب «تاریخ طب الاطفال عندالعرب» خود آورده است (۲۱).

نسخه خطی این دست‌نوشته در کتابخانه اسکوریال محفوظ است. شناسایی این نسخه به همت دکتر اورزولا وایسر انجام شد؛ گزیده‌ای از این رساله با نام «جوامع من الطب فی تدبیر الحبالی» در دست است که پیشتر آن را به ابونصر فارابی نسبت داده بودند و با تلاش وایسر مشخص گردید که نویسنده آن عریب بن سعد است. لیبری برای اولین بار این اثر را در کتاب «تاریخ علم ریاضی»، در ایتالیا، منتشر کرد (۷). البته به گفته اولمان نسخه اصلی این رساله موجود نیست (۱۹). پیش از آنکه کتاب خلق الجنین به صورت کامل چاپ شود، دوزی بخش‌هایی از آن را در کتاب «تاریخ العرب فی الاندلس و افریقیه» به چاپ رساند (۲۹). متن کامل آن همراه با ترجمه فرانسه در سال ۱۳۷۵ ق/۱۹۵۶ م با تصحیح و یادداشت‌های نورالدین عبدالقادر و هنری جاهیه در الجزایر به چاپ رسیده‌است. همچنین گفته شده از این کتاب ترجمه یا تلخیصی به زبان عبری موجود است (۴، ۱۷). گزیده‌ای از این کتاب با عنوان «جوامع من الطب فی تدبیر الحبالی» موجود است که نسخه‌ای از آن در کتابخانه بادلیان دانشگاه اکسفورد نگهداری می‌شود که گفته شده این گزیده با خط جدیدتری به ابونصر فارابی نسبت داده شده است (۱۷).

۶. نتیجه‌گیری

عریب قرطبی در عصری ظهور کرد که دانش پزشکی مراحل بالندگی خود را پشت سر می‌گذرانید، شاهکار وی در پزشکی رساله «خلق الجنین و تدبیر الحبالی و المولودین» است که این اثر مونوگرافی ارزشمندی در جنین‌شناسی به شمار می‌رود. اهتمام عریب قرطبی به جمع‌آوری کتابی در زمینه

بارداری، زایمان و بیماری‌های زنان و اطفال را می‌توان از نوآوری‌های پزشکان مسلمان در زمینه تکننگاری و تخصصی کردن شاخه‌های دانش پزشکی لحاظ کرد. دانش و نگرش عریب در نگارش روشمند این رساله بازنمایی احاطه علمی و تخصص وی در دانش پزشکی است. این متن حاوی اطلاعاتی جامع و ارزشمند در چند حوزه از دانش پزشکی از علم جنین‌شناسی، زنان و زایمان، مامایی و پزشکی کودکان است. از مباحث مهم این رساله که می‌توان به آن اشاره کرد موضوعاتی مانند قابلیت اسپرم در تعیین جنسیت، اهمیت تغذیه با شیر مادر و روش درمان نازایی است.

۷. تشکر و قدردانی

نویسندگان مقاله مراتب قدردانی خود را از جناب آقای فرید قاسملو برای در اختیار گذاشتن رساله «خلق الجنین» اعلام می‌دارند.

۸. سهم نویسندگان

ایده اولیه نگارش مقاله و جمع‌آوری اطلاعات مربوط به زندگینامه و تنظیم نهایی مقاله بر عهده نویسنده مسئول و نویسنده دوم مقاله نیز معرفی و توصیف بخش‌های کتاب را عهده‌دار بود.

۹. تضاد منافع

در این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافی برای نویسندگان وجود ندارد.



شکل ۱: نقشه دوره خلافت امویان اندلس منطقه قرطبه (کوردوبا)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِهِ أَسْتَعِينُ وَحْدَهُ

قال عریب بن سعید الکاتب

الحمد لله المحکم لما دیر المتقن لما أنشأ وصور العالم بما یعلم وظهر
الذي انفرد بالکمال وتعالى عن الاشياء والأشکال وقطر الخلاق بغير مثال
وبدأ خلق الانسان من طین ثم جعل نسله من سلالة من ماء مهین ثم سواه
ونفخ فيه من روحه ومنحه فضیلة العقل وغامض الفکر ليعتبر فی قدرته
ويعتین [۱] آثار حکمته ۛ ینتهدی الی سبیل عبادته وبعلم أن المرجع الیه
وأن وعد الله حق لا ریب فیهِ وصلی الله علی من ختم الرسالة به وادخر
کرامة الشفاعة له وأظهر دینه علی الدین کله وسلم تسلیما .

وإن أحق ما صرفت الهم الیه واستعملت الأفكار فیهِ بعد حقوق الله
عز وجل واستغفاء حدود شکره طلب الزلفی الی الامام الاهدی الحکم
المستنصر بالله أمير المؤمنین أطال الله بقاءه الذي أشرقت الایام بعدله وأمت
الایام بسایغ فضله ورفعت به أعلام الحق لمن ابتغاه وزهق الباطل عن یدی
من تولاه وعاد العلم غصنا قد تجدد عهده وقام أودده .

وحظی به أهله واستبصر کل ذی همة فی آثار الأدب والتمادي فی
العناية والطلب ووفی أعزّه الله کل أحد قسطه فی رعايته وجمع سیاسته
وحنفله ما استحققه الله من أمور برینه ونصر دینه وإقامة شرائعه فهو بفضل
رحمته کما نص فی محکم آیاته اذ قال تعالی الذين ان مکناهم فی الارض
أقاموا الصلاة وآتوا الزکاة وأمروا بالمعروف ونهوا عن المنکر وقل عاقبة
الأمور .

ولما رأیت أن أحظى الأعمال المقرة من حسن رأیه أیده الله وأقرب
الوسائل الیه وأزکاها لیده تألیف کتب العلم وجمع منور الحکم وتجديد
آثار الأوائل الذين سبقوا الی الفضلة وفازوا بالقامة ونعموا سببا الحکمة

شکل ۲: یادکرد نام نویسنده در مقدمه اثر

— (۲۳) —

وأوفق المطاعم لها الاغذية المسخنة المرطبة كالحوم الخرفان والدجاج السمان والاوز والسمك الطري النهري ومخ البيض المقصص في الماء المطيب بالصنبر والزيت المذب والمرعي اليسير والاعذية التي تولد الرياح توليدا رقيقا وذلك من البقول السلق واللفت والجزر والبصل والخمض واللوبيا والبقول المطبوخ نهما بالتمنع والقوذنج .
ويستعمل جميع الاشياء المهيجة للطمع مثل الرزايانج والكرفس والهندبا .

صفة فرجة تحتلها المرأة فتعين على الحبل باذن الله :

مبعة رطبة وجندبادستر وجواشير وحب اللسان وحب الين وقسط وسنبل ومقل نخل الصمغ بسذاب ويدق سائرهما ثم يعجن ذلك بشراب ويتخذ منها مثل البلوط وتحتل ليالي كثيرة ثم تحتل أيضا قبل المجامعة بأربع ساعات ان شاء الله .

صفة دواء يحتل في القبل فيعين على الحبل :

يؤخذ من الزعفران والسبل والمصلكي والسعة السائلة من كل واحد وزن درهمين ومن الساذج وزن درهم ومن الشمع الابيض وزن ثمانية دراهم ومن دهن الناردين أو دهن الورد مقدار الحاجة تدق الادوية اليابسة ويذاب الشمع والميعة بالدهن ويخلط جميعا ويحتل في سوقه ان شاء الله .

صفة تجربة باذن الله معروفة التيج والتنع للمرأة اذا توفت حملها :

يؤخذ من الفضة ارب ومعة من كل واحدة جزء يدق ذلك ويحمل في سوقه ثلاثة ايام ثم تسقى بعد ذلك من تشاردة العاج درهمين بماء وعسل أياما متوالية ثم تجامع فانها تحمل بمشيئة الله عز وجل ولو كانت عاقرا .

صفة تبخيرة تسهل الحبل وتعين عليه :

تنثر قرون العز وتؤخذ تشارتها فتعجن بدهن الناردين ويبخر بذلك ثلاثة ايام بانار اللهر فاذا انقضى ذلك دنت من القراش وموضع الجماع دفيئة من البخور .

شكل ۳: مطالب مربوط به دوران شیردهی کودک

ومنحوا من بعدهم صنوف المنفعة تكلفنا كتابا يشتمل على أقاويل العلماء في ابتداء خلق الله تعالى الانسان الذي جعله أشرف المخلوقات وخيار أمم الالآت وسخر له ما تحت أكثاف السموات .
وكيف أحكم تديره وأتقن تصويره وأنشأ نشأه وركب أعضائه وجعله في درجة النمو الى أن يبلغ به حد الانتهاء وغاية الكمال ثم حمله الى النقصان ونكسه في الخلق ليش أمره وينق كل شيء الا وجهه له الحكم واليه ترجعون .
وذكرت ما يخص الملوك نفسه ويقتط عامرة الناس جمعه من تدير الاجنة وأسباب الولادة وأحكام القبول وسياسة التربية التي جعلها الله علة للسبل وأوعية للزروع ومستقرا للنطفة .
ثم ذكرت خلق الاجنة في الارحام ومواقيت تحريكها والمعالج المعين على صحتها والاسباب المستدل بها على الذكران والاناث منها موقفا بأن الله وحده يعلم ما تحمل كل أنثى وما تنبض الارحام وما تزود وكن شيء عنده بمقدار عالم النيب والشهادة الكبير المتعالي .
وانسا سلك في ذلك سبيل الاوائل من الانبياء على ما آتته اليه نجايرهم وأدركوا بقياسهم وأشرت الى أقاويل أهل التنجيم في تجربة أيام الجنين من أول علوقه الى حين ولادته وبعض ألقائل العرب في جملة وضعها وشكل خروجيه ووسلت ذلك باشباع القول في قدر الحبل وحدوده وما رسمته الاوائل من مواقيته وآتت به الاخبار النادرة فيه .
وذكرت تدير الولدان في الحدود الارضية التي حددها ابرار في آسائهم ومعالجة ما يعرض لهم فيها من الامراض المخصوصة بهم وتلطف الى ألبان مراضهم واحكام جميع أمورهم الى أن يدركوا تدير مصالحتهم ويقفلوا وجسود منافهم ثم ذكرت تفصل الاوائل لسن الانسان من أول أمره الى انفضاء عمره بفول وجيز وجمل كافية ليش الكتاب على السذهب الذي قصدت اليه .
ولا قوة الا بالله العلي العظيم ولا توفيق الا من العزيز الحكيم .
ويؤتبه على أبواب مفصلة بقرب من المفهم وتبين فتونه للمتأمل ورسمت في آخره جدولاً بحساب أيام الحول يسهل به علم مواقيته ان شاء الله .
وهي خمسة عشر بابا :

شكل ۴: مطالب مربوط به أيام بارداری

(۲۳)

بکیر فيه ولا تعظم وإن كان الوعاء وأسا وتغذت الأثرجة غذاء كذا عظمت
وانسعت وكذلك الشجرة إذا نبت بين أحجار إلى جنب شيء، فشمعها لم تعظم.
وقال إفرطاد أنه ربما ولد قضيب ضعيف من أب ضعيف جسم،
وفسر ذلك جالينوس فقال إنما يكون ولد الرجل الجسيم قضيباً من قبل قلة
الغذاء أو من قبل ضيق الرحم أو من سنها. وربما مرض الجنين في الرحم
فولد ضعيفاً كما أن الأجنة إذا اغتذت نساء ازدادت لحمًا وسناً وإذا قل
غذاءها هزلت وضعفت. وكذلك الأجنة كلها تولد من الأم، الجسم
مهازيل ضعفاً، فليس لذلك سبب غير ضيق الرحم وإن الجنين لا يمرض
فيها ولا يسو. وأما زيادة أعضاء الجنين ونقصانها فيكون بما يجري إلى تلك الأعضاء.
من كثرة مادة النبي أو قلة والله أعلم.
والجنين في الرحم أثناء شيء، ثمرة الشجرة كما دام شيئاً وكثير فإن
سوته تسع وتنفتح وتزول حتى إذا تم نكوة ويبلغ الثابت في عظمه دفن
سوته وانضمت وجفت.
ونمر الشجر كذلك ما دام يزيد إصافه بالشجر قوي حتى إذا بلغ
تمام سنه وغاية عظمه شفت اتصاله ونمت الشجرة التي هو بها.

الباب السادس (١٧١)

في قدر الحمل وحدوده وبعده شهروه وأيامه والبولودين تسعة أشهر
والتأنيق ولما فوق هذه العدة وكلام الأوائل من الأعيان، والمتعجين
فيمن تنقص منهم ومن يئوت على الأم الأسم

أسم ما يكون زرعاً الحمل المعروف تسعة أشهر قمرية، وبعده الشهور
ما بين رؤيتي الهلال الثام والثاني عشر وذلك تسعة وعشرون يوماً ونصف يوم.
ففسر أيام هذا الحمل مائتين وخمسة وستين يوماً ونصف يوم.
وذكر إفرطاد أن الحمل الكامل الذي يستوفي فيه الجنين حشفه وتوتيه
وتخصب قوته هو الذي يستكمل مدة سبعة أدوار من أدوار الأربعين التي
بعد عد باقي الحمل وغيره. وذلك مائتان ومائتان يوماً من الشهر الذي تقدم
ذكره تسعة أشهر ونصف. فإذا استوفى الجنين هذه العدة واستكمل الأدوار
السبعة كان أقوى الأجنة وأسلمها من الآفات بإذن الله. ولذلك لبعضها من

(۲۳)

الشهر الثامن الذي يمل الجنين في الرحم وتعمل فيه أمه لأسباب ستذكرها
إن شاء الله.

وذكر أن حال البولود في أول الشهر التاسع غير حال البولود في
آخره وذلك أن الذي يولد بعد وقت الأجنة السكتين ولم يمد عهده
بالأمراض التي مرضها في الشهر الثامن فيولد موهوماً ضعيفاً قدام البولود.
في آخر الشهر أو في العاشر فإنه يولد أصحب بدناً وأصلح حالاً وأشد
استكمالاً لملكه وقوته وذلك لمد عهده بالأمراض التي عرضت له قبل
الشهر الثامن والاعمال والأمراض التي أسأته فيه.

وقد يزعم بعض السامع أنهن يلدن أولاداً لأحد عشر شهراً وذلك
أنها تبذل المرأة بعد أن يعرض من الشهر نصفه أو أزيد من ذلك فحسب
الأيام الباقية من ذلك الشهر شهراً لما يبلغ الغلط في حسابها ولذلك أيضاً
يسمى من ولد في الشهر العاشر مولوداً لعشرة أشهر كاملة.

وقال إفرطاد في كتاب الأجنة أن بعض الناس يرون ويقولون أنه
ربما مكث الجنين في الرحم أحد عشر شهراً وليس ذلك كما قلنا بل إما
يكون ذلك لأنها ربما نزلت الريح من البطن إلى الرحم في وقت الجماع
فتفتتها وإذا نزلت تلك الريح نزلت المرأة بها حملاً وأصلها مني وربما
نزلت الريح من البطن من الزوال فترود الدم في الرحم أيما كيرة وربما
كانت مع الريح حرارة فتش المرأة أنها حبل لأن رحمها يكون ساكناً
ولا يترهل طغيها. وربما نزل الطمث وانجر من قبل نفسه أو من شيء.
ينزل من الجسم فيخرج الأول منه وظن المرأة أنها حبل. وقال أيضاً
الذين ليس لهم حق هذه الضمانة بحسبون أن وقت الحمل الأول الذي
يبلغ فيه الطمث عن الرحم فقط.

وقال جالينوس أيضاً أني إفرطاد بهذا القول لبطل. فيه رأى من قل
أن هذا الحبل يكون أحد عشر شهراً وإني ذلك وبطلته قلنا قبل العلم
فيكون ما هو أكثر منه. وقد أتى في بعض الأخبار المأثورة أن الفصحاء
ابن مزامم بقي في الرحم ستة عشر شهراً وولد وقد أضر وأن نساء ولد
لستين ولذلك يسمى همسا.

(۲۴)

وقال الواقدي سمعت نساء أهل الحجاز يقولون ما حملت امرأة منا
أقل من ثلاثين شهراً ومن من ولد زيد بن الخطاب.

ونقل الوليد بن مسلم عن مالك بن مالك بن أنس أن امرأة محمد بن عجلان
مولى قاطمة بنت الوليد بن عتبة بن ربيعة ولدت ثلاثة أبطن كل بطن في
أربع سنين فكانت تسمى حاملة القل. وقدرة الله عز وجل عظمته وآياته
أكبر من أن تحصى أو يحيط بها علم.

وإنما تكلمت الأوائل على سبيل القياس والتجربة وعموم الولادة فإذا
أتى الشاذ الذي لم يجدوه ولم يذكروا مثله بأخبارهم تركوا ذكره كما
تركوا ذكر الخنثى وأمره أشهر من أن يحصى وقد ثبت ذكره في كتب
أهل العلم. وفرضوا له فرضاً محدوداً من الميراث. وروى أحمد بن علي
ابن الحسن بن شعيب بن زياد بمصر عن أحمد بن طاهر بن حرمة عن جده
حرمة بن يحيى قال سمعت محمد بن إدريس الشافعي يقول رأيت بقربة
من قرى صنعاء خنثى قد ولدت من بطنها وولد لها من ظهرها وتأتي من
الأمور الشاذة والحوادث الشنيعة كثيراً. ولولا تصديق العيان له وأخبار
الفتيات به لنفاد سامعه.

فمن بعض ذلك توأمان ولدا ملتصقا بطونهما وجوههما بعضهما إلى
بعض وصبي ولد برأسين وقد يروى مثل ذلك كثيراً فيما تلده البهائم.

وحدث محمد بن وضاح أنه ركب بحر القلزم مع رجل من التجار
فأخبره أنه رأى بناحية اليمن بموضع يعرف بعلكت جارتين مملوكتين
لشخص كل واحدة منهما تامة الصورة برأس وسمع وبصر ويدين وبطن
وفرج ثم ترجما في أسفلهما إلى رجلين آتيتين كأنهما شخص واحد وكانها
غير مائتين. وحكى التاجر أنه أشتراهما ليأتي بها مكة مكان ربما قبل
الواحدة فأعرضت عنه الثانية. ولم يقع في حديث وضاح أن كانتا متتا أو
عائنتا. فقل لاين وضاح أخبرك التاجر أنه وطئها فقال لا.

وذكر أبو حاتم في كتاب الفرق أن البذل لا تحمل ولا تلد وأن
الثقة أخيره أنه رأى بئلة حملا.

وقد حدث في بلدنا ما لو حدث بمثله من سلف من الأوائل لنفاد
وإبطله لوجوه فيها ستوف من التوويل ومخارج من القول وهو على أي

شكل ۶: مطالب مربوط به مدت بارداری

References

1. Ibn Saed S. Al- Taarif BeTabaghat Al-Oumam. Cairo: Dar Al-Maare; 1993. (Arabic).
2. Naha'i AM. Umayyad government in Andalous. Translated By: Sepehri M. Tehran: Samat; 2007. (Persian).
3. Tha'alibi A. Yatimi Al-dahr Fi Mahasen ahl Al-asr. Abd Al-hamid MM, editor. Cairo: Maktabe Al-hosseini Al-nagari; No Date. (Arabic).
4. Brockelmann C. Tarikh Al-adab Al-Arabi. Cairo: Dar Al-maaref; 1952. (Arabic).
5. Hearn Sami K. Tarikh Touras Al-oloum Al-Tebbi End Al-Arab va Al-Moslemin. Amman: Jame Al-yarmouk; 1986. (Arabic).
6. Al-bashari SAS. Al-hayat Al-elmie Fi Asr Al-khalafe Al-andalous. Tehran: Tehran Medicine University; 2010. (Arabic).
7. Leclerc LD. Histoire Medecine Arabe. Paris: Librairie Des Societes; 1870.
8. Al-Sameraei K. Mokhtasar Tarikh Al-teb Al-arabi. Baghdad: Dar Al-Nezal; 1980. (Arabic).
9. Oray ibn Sa'ad Qortobi. Khalq al-Janin wa Tadbir al-Hablali wa Al-Moloudin. Abdul Qadir N, Henri Al-jahieh A, editors. Al-jazaer: Maktabe Fararis; No Date. (Arabic).
10. Ankhel G. Tarikh Al-fekr Al-andalousi. Cairo: Maktabe Alnehzat Al-mesrie; 1982. (Arabic).
11. Zerekli K. Al-a'lam. Beirut: Dar Lel elm Lelmalaen; 2007. (Arabic).
12. Al-arabi Alkhetabi M. Al-teb va Al-teba Fi Al-andalousi Al-eslamie. Beirut: Dar Al-gharab Al-eslami; 1998. (Arabic).
13. Akavi Rk. Al-moujez Fi Tarikh Al-teb End Al-Arab. Beirut: Dar Al-manahel; 1998. (Arabic).
14. Oray ibn Sa'ad Qortobi. Seleh al-Tabari Tarikh. Leiden: Brill; 1897. (Arabic).
15. Sarton GAL. Introduction of history of science. Tehran: Enteshrat Elmi va Farhangi; 2005. (Persian).
16. Mieli A. Islamic sciences and its role in scientific developments in the world. Mashhad: Bounyad Pazhohesh Eslami; 1993. (Persian).
17. Sezgin F. History of Arabic Writings. Tehran: Vezarat Farhang va Ershad; 2000. (Persian).
18. Mousavi Bojnourdi K. Encyclopedia of Islam. Tehran: Center for the Great Islamic Encyclopedia; 1995. (Persian).
19. Ullmann M. Die Medizin Im Islam. Leiden: Brill; 1970.
20. Defaa A. Ravad Elm Al-teb fi Al-hezare Al-arabi va Al-eslami. Beirut: Moases Alresale; 1978. (Arabic).
21. Al-Hajj Qassim Mohamamd M. Tarikh Teb Al-atfal End Al-arab. Baghdad: Jame Baghdad; 1989. (Arabic).
22. Derenbourg H. Manuscrits Arabes de l' Escurial. Paris: Librairie orientaliste paul geuthner; 1941.
23. Abd al-ghani ML. Derasat Fi Tarikh Al-oloum End Al-arab. Cairo: Dar Al-seghafe Lenashr va Al-touzie; 2001. (Arabic).
24. Tabari A. Salas Rase'l Tebe 'Alaj al-Atfal'. Tehran: Nilobar; 2014. (Arabic).
25. Farkhondehzadeh M. A Study of Abu Ja'far Ahmad ibn Ibrahim Jazzar's Scientific Life. *Research on History of Medicine*. 2019;8(3):157-68.
26. Ibn Jazzar A. Siyasah al-Sebiyan wa Tadbirehem. Al-halileh MH, editor. Tounes: Beit Al-Hekme; 2008. (Arabic).
27. Baladi A. Tadbir Al-habali va Al-atfal va Al-sebian va Hefz Sehattehem. Baghdad: Dar Al-rashid Lenashr; 1980. (Arabic).
28. Avicenna H. Al-Qanun fi Al-Teb. Beirut: Dar Al-ehyae Al-Arabi; 2005. (Arabic).
29. Najjar A. Fi Tarikh Al-teb Fi Al-doulat Al-eslamie. Cairo: Dar Al-maaref; 1994. (Arabic).
30. Ullmann M. Islamic Medicine in the Ninth Century AD. Tehran: Medical Ethics studies and Research; No Date. (Persian).
31. Hearn Sami K. Fehres Makhtotat Dar Al-kotob Al-zaherie. Tehran: Medicine University; 2008. (Arabic).



MHJ

Medical History Journal

Autumn 2021; 13(46): e25

<https://doi.org/10.22037/mhj.v13i46.34465>

Journal Homepage: <http://journals.sbmu.ac.ir/en-mh>



ORIGINAL RESEARCH

Oray ibn Sa'ad Qortobi, the Muslim Physician of Gynecologist and Pediatrician

Mahboobeh Farkhondehzadeh^{1*} , Seyedeh Narges Tanhaei²

1. Assistant Professor, Faculty of Theology and Islamic Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

2. PhD Student in Islamic History and Civilization, Faculty of Theology and Islamic Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Received: 6 May 2021

Accepted: 13 September 2021

Published online: 25 September 2021

Keywords:

Andalusia (Spain)

Obstetrics and Gynecology Sick

Pediatric Medicine

Midwifery

Khalq al-Janin

ABSTRACT

Background and Aim: The scientific works inherited from this scholar are evidence of his expertise in literature, history, medicine, and medicine-related fields such as pharmacology. Orayb ibn Sa'ad Qortobi is one of the prominent figures in the realm of medicine who conducted scientific research in the golden age of the history and culture of Andalusian civilization (Spain) during the rule of the Andalusian Caliphs (Abdul Rahman al-Nasser and al-Hakam al-Mustasnar). Much of Orayb's fame is in history known as "Seleh al-Tabari Tarikh. He was an expert in literature, history, astronomy and science of medicine and its related branches such as pharmacology. In this paper we want to research his role in medicine and his book "*Khalq al-Janin wa Tadbir al-Habali wa Al-Moloudin*" is introduced.

Materials and Methods: This research has been written With the help of the library method.

Findings: With Orayb rising to stardom in the medical science, Khalifa al-Hakam requested him to produce a work. In the medical schools of Muslims in the early centuries, gynecology, obstetrics and pediatrics constituted a unified domain due to the integrity and linkage of contents. In his manuscript *Khalq al-Janin*, Orayb has not distinguished gynecological, obstetric, and pediatric diseases. "*Khalq al-Janin wa Tadbir al-Habali wa Al-Moloudin*", has 15 chapters ashgiene, health and nutrition of pregnant women and infants as well as pediatrics and the prevention and treatment of diseases in mothers and infants. He therefore authored a treatise on Midwifery, Obstetrics, Gynecology and Pediatrics.

Ethical Considerations: Honesty and fidelity were observed in the analysis, reporting and publication of materials.

Conclusion: This treatise is one of the seminal medical works of Orayb, which according to some scholars, is the first book to scientifically discuss all matters and subjects relating to embryology, childbirth, requirements of pregnancy, infants and children, child nutrition, health and treatment of pediatric diseases. This paper aims to look into the scientific life and achievements of Orayb ibn Sa'ad and to explore some of his works in this field. In the medical history of Iran and Islam, there are a number of physicians, some of whom are not adequately known.

* Corresponding Author:

Mahboobeh Farkhondehzadeh

Address: Faculty of Theology and Islamic Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

Email: farkhondehzaded@um.ac.ir

© Copyright (2018) Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Cite this article as:

Farkhondehzadeh M, Tanhaei SN. Oray ibn Sa'ad Qortobi, the Muslim Physician of Gynecologist and Pediatrician. *Medical History Journal* 2021; 13(46): e25.

This open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution NonCommercial 4.0 License (CC BY-NC 4.0).